

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی دهند،
ولی جهانی را بدست خواهند آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

آزادی، برابری با اعتصابی سراسری!

سردبیر

اعتصاب سراسری

همین امروز



امیر توکلی

اعتصاب سراسری معلمان دستاوردهای متعددی را در برداشته است. از یک طرف برای خود معلمان که بیش از پیش به قدرت اتحاد و مبارزه شان واقف شدند و به شکل وسیعتری در این هفته در اعتصاب شرکت داشتند. معلمان مصممانه خواستار تحولی عمیق در سطح دستمزدها هستند. آنها می گویند: چرا باید کارمندان عالی رتبه یک میلیون حقوق بگیرند و معلم ۱۵۰ هزار؟ کسی جوابگو نیست از رئیس جمهور تا وزیر آموزش و پرورش خفه شده اند. اما برای تهدید معلمان زبان درازی می کنند. هر چند این بیانات با بی تفاوتی و تمسخر معلمان مواجه شد. نبرد معلمان وارد مرحله حساستری میشود. در این دور جدید معلمان باید سلاح تشکل و همبستگی خود را هر چه بیشتر آماده کنند. تشکیل مجمع عمومی منظم در نواحی مختلف و بحث و تبادل نظر در مورد قدم های بعدی مبارزه حیاتی و فوری اند. تدوین قطعنامه سراسری و تبدیل آن به پرچم

صفحه ۲

تظاهرات وسیع و کوبنده مردم در شهر فریدون کنار

نورچشمی های امام جمعه منفور فریدونکنار به مجلس بوده است. جاده اصلی شهر توسط مردم مسدود است. درگیرها همچنان ادامه دارد. مردم آزادیخواه! باید از اعتراضات مردم فریدونکنار حمایت کرد. جنایت جمهوری اسلامی باید از طرف مردم محکوم شود. باید جمهوری اسلامی را با اعتراضات، اعتصابات و تظاهراتمان به زیر بکشیم. جنایت و این همه سرکوب بس است.



نکنند. پس از این یورش وحشیانه مردم معترض به یک پاسگاه حمله کردند و همه دستگیر شدگان را که در پاسگاه بوده اند آزاد نمودند و سپس آنرا تخریب کردند. بعد از آن به خانه و دفتر امام جمعه منفور شهر یورش بردند و آنجا را ویران کرده اند. امام جمعه همراه با خانواده اش از شهر فرار کرده است. مردم معترض به طرف پابلسر در حرکت بودند که با سرکوب نیروهای ویژه مواجه میگردند. مردم نیمی از شهر فریدونکنار را در اختیار دارند. بهانه اعتراضات مردم راه یافتن یکی از

در آخرین دقایق صفحه بندی نشریه مطلع شدیم که مردم آزادیخواه فریدونکنار در شمال ایران یورشی همه جانبه را به جمهوری اسلامی آغاز کرده اند. این اعتراضات پس از به گلوله بسته شدن مردم توسط مزدوران اسلامی شدت گرفت. در این تیراندازها حداقل ۳ نفر جانباختند و تعداد بیشماری زخمی شده اند. طبق خبرها بیمارستانهای فریدونکنار و شهرهای اطراف پر از زخمی های این اعتراضات است و این در حالی است که تعداد نامعلومی بخاطر دستگیری ترجیح داده اند که به بیمارستان مراجع

دستمزد کارگران باید به اندازه حقوق نمایندگان مجلس افزایش یابد!

۸ مارس روز پیشروی جنبش رهایی زنان بود!



مراسم ۸ مارس سنندج

اشغال ما شاهد برگزاری ۸ مارس های باشکوه در شهرهای مختلف ایران بودیم. در این مراسم ها قوانین ضد زن اسلامی، آپارتاید جنسی، فرودستی زن، بردگی جنسی و احکام وحشیانه سنگسار و اعدام بشدت محکوم شد. در هر جا که زنان و مردان آزاده توانستند مهر رهایی زن را در قطعنامه هایشان ثبت کردند و آن را به اطلاع هزاران نفر رساندند. در مراسم ۸ مارس سنندج بیش از ۲۰۰۰ نفر

شکرت داشتند و در مراسم شهر قزوین صدها نفر شرکت کردند. قطعنامه های ۸ مارس در سنندج و قزوین را میتوان در فدای سرنگونی جمهوری اسلامی در هر میدان شهری به اطلاع صدها هزار نفر رساند. این خواستهها و مطالبات می رود که چهره زن را نه تنها در ایران بلکه در منطقه دگرگون کند. متن قطعنامه ها را در صفحه ۳ بخوانید. زنده باد ۸ مارس، زنده باد آزادی و برابری زن.

نابود باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

جنایت تروریستی در مادرید

با انفجار چندین بمب در سه ایستگاه قطار شهر مادرید اسپانیا نزدیک به دو سوت نفر کشته شدند و صدها نفر زخمی گردیدند که حال تعدادی از آنها وخیم است. ما همدردی عمیق خود را با بازماندگان این واقعه دلخراش اعلام می کنیم و این جنایت را از طرف هر جریان و سازمانی که باشد شدیداً محکوم می نماییم. طبق اظهار نظرهای این حمله تروریستی شبیه عملکرد سازمانهای تروریست اسلامی و از جمله سازمان القاعده است. از طرف دیگر به نوشته روزنامه القدس العربی مسئول این بمب گذاری را القاعده



طی نامه ای بر عهده گرفته است. جنبش کثیف اسلامی در کنار ناسیونالیسم و قوم پرستی ایدئولوژی های ضد انسانی هستند. بشریت امروز

از «یک دنیای بهتر»



تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های

قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیتها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسانها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسانهای بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

از «یک دنیای بهتر» نوشته منصور حکمت

ادامه اعتصاب سراسری همین امروز

مبارزاتشان بسیار مهم است.

دستاوردهای دیگر، تاثیرات سیاسی اعتصاب معلمان در جامعه بود. اعتصاب سراسری معلمان را همه مردم هر روزه از بچه هایشان در خانه شنیدند و راجع به آن صحبت کردند. خواست معلمان را حمایت نمودند و در مواردی به پشتیبانی از معلمان نیروهای نظامی رژیم را از مدرسه بیرون انداختند. معلمان و خواستهایشان امروز در سطحی میلیونی پشتیبانی میشوند. این حمایت مبارزه معلمان را قویتر و رادیکالتر میکند.

اما مهمترین دستاورد اعتراضات سراسری معلمان این بود که نشان داد اعتصاب سراسری عملی است. همین امروز با همین توازن قوا امری شدنی است. رژیم اسلامی در مقابل حرکت متشکل و وسیع معترضان زمین گیر است. لذا اعتصاب سراسری در بخشهای کلیدی جامعه، در صنعت نفت، در ماشین سازی ها در کارخانه های بزرگ و کوچک در ادارات و دانشگاهها قابل تحقق است. این را اعتصاب معلمان به روشنی نشان داد. اعتصاب سراسری معلمان در دل شرایطی امکان پذیر شده است که جامعه در حال حذف حاکمان اسلامی است. رژیم اسلامی در هر چهار گوشه کشور مورد تعرض کارگران و انسانهای آزادیخواه قرار دارد. رژیم اسلامی در هیچ زمینه ای توان مقابله با این موج عظیم را ندارد. تقلاهایش از سر استیضال است. کارگران و مردم آزادیخواه باید هر چه وسیعتر و همبسته تر به میدان بیایند. جمهوری اسلامی در اولین برخوردش با اعتصابات سراسری کارگری و دیگر بخشهای جامعه فرو خواهد ریخت. همانطور که کارگر نفت رژیم شاه را سرنگون کرد اینبار نیز نقش کارگر نفت برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت مبتنی بر آزادی و برابری واقعی حیاتی است. کارگران، انقلاب به شما نیازمند است.

دستمزد کارگران باید جوابگوی نیازهای واقعی آنها باشد

بگذارند؟ کارگر و فرزند و همسرش چه چیز را حق دارند که در سبد خویش داشته باشند؟ نان بخور و نمیر یا زندگی متناسب با استاندارد اول قرن بیست و یکم؟ چه کسی قرار است این سبد را تعریف و تعیین کند؟ در جامعه ای که رساندن دستمزد کارگر و معلم به سطح خط فقر یک جاه طلبی بحساب می آید و باید برایش جنگید، سبد هزینه کارگری ای که حکومت می خواهد

بگذارد؟ کارگر و فرزند و همسرش چه چیز را حق دارند که در سبد خویش داشته باشند؟ نان بخور و نمیر یا زندگی متناسب با استاندارد اول قرن بیست و یکم؟ چه کسی قرار است این سبد را تعریف و تعیین کند؟ در جامعه ای که رساندن دستمزد کارگر و معلم به سطح خط فقر یک جاه طلبی بحساب می آید و باید برایش جنگید، سبد هزینه کارگری ای که حکومت می خواهد

آخرین روزهای سال ۸۲ است و بحث بر سر میزان دستمزد کارگران برای سال آتی گرم است. هر روز متناسب با سرعت تپش اعتراضات کارگری میزان سبد هزینه کارگری، نرخ تورم، سطح خط فقر نیز بالا و پائین میروند و خانه کارگر و شوراهای اسلامی طبق سنت هر ساله همچون دلانان فروش ارزان نیروی کار مشغول چانه زنی هستند. اما برآستی مقامات جمهوری اسلامی چه چیزی را در سبد کارگر میخواهند

دستمزد کارگران باید به همان میزانی باشد که به نمایندگان مجلس اسلامی داده میشود. هیچ عذر و بهانه ای بر سر افزایش حداقل دستمزدها تا سطح تامین نیازهای یک زندگی مرفه و انسانی قابل پذیرش نیست. همه میدانند که یک دهم دزدیها و سواستفاده هایی که هم اکنون صورت می گیرد برای افزایش دستمزد کارگران تا سطح حقوق نمایندگان مجلس کافی است. ترازوی میزان دستمزد کارگران نه رقم سطح فقر در جامعه بلکه رفاه و داشتن یک زندگی انسانی است. برگرفته از سایت کارگران www.kargaran.org

محتویاتش را تعیین کند ببرد چه کسی میخورد؟ روشن است که در سبد کذایی هزینه کارگری، مینا استانداردهای متوسط معمول در جامعه و نیازهای بشر متمدن امروز نیست. بلکه همه تلاش این است که کارگر هر روز بیشتر از خواستهها و مطالبات انسانیش عقب رانده شود. تعریف سبد هزینه کارگری و رابطه دستمزد و خط فقر توسط جمهوری اسلامی فقط بخشی از فقر و بیحقوقی کارگران در این جهنم واقعی سرمایه داری را نشان میدهد. اما دستمزد کارگران را خط فقر تعیین نمیکند. کارگران سبد فقر را نمی

انقلاب کارگری

شنبه ها
منتشر میشود

سرمدیر: امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:

tavakoli@hotmail.com
enqelabkargari@yahoo.com

نشریه از این سایتها
قابل دسترسی است

www.kargaran.org

www.rowzane.com

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

تجربه ای از کارگران آرژانتین



وریا احمدی

تشکل بیکاران NTR نام دارد. NTR مخفف شده اسم زن فعالی است که به دست پلیس در سال ۱۹۹۶ کشته شد. در این تشکیلات ۵۰۰۰ خانواده عضو هستند.

فقر و فلاکت در آرژانتین پدید می‌آید، کارگران گروه گروه اخراج می‌شوند. گرسنگی زندگی هزاران خانواده کارگری را تهدید می‌کند. دولت و کارفرما می‌گویند که کارخانه ورشکست شده است. اما خود دولت است که ورشکسته شده است. کارگران تصمیم می‌گیرند که کارخانه را مصادره کنند. کارگران بارها مورد هجوم پلیس قرار گرفته اند و تاکنون دهها کارگر همراه با بچه هایشان کشته شده اند. اما همچنان مصمم در ادامه کنترل کارخانه هستند. کارخانه Zanon که تحت کنترل کارگران قرار گرفته است مواد و مصالح ساختمانی تولید می‌کند. کارگران هر هفته مجمع عمومی برگزار می‌کنند. نمایندگان کارگران ماهانه جلسات منظمی را برپا می‌کنند. از فوریه ۲۰۰۲ که کارخانه را کارگران در اختیار گرفته اند آنرا Zanon که تحت کنترل کارگران قرار گرفته است مواد و مصالح ساختمانی تولید می‌کند. کارگران هر هفته مجمع عمومی برگزار می‌کنند. نمایندگان کارگران ماهانه جلسات منظمی را برپا می‌کنند. از فوریه ۲۰۰۲ که کارخانه را کارگران در اختیار گرفته اند آنرا

توسعه داده اند. آنها کارخانه های کوچک دیگری در جنب کارخانه Zanon تاسیس کرده اند مثل کارخانه کفش سازی، پارچه بافی. این کارخانه ها وسایل مورد نیاز اعضای تشکل را مجانی در اختیارشان می‌گذارد. شرکتهای زراعتی متعددی تشکیل شده است که کارگران برای خود و خانواده هایشان مجانی از حاصل تولید شده برداشت می‌کنند. البته همیشه پلیس و سرکوبش وجود دارد اما همچنان کارگران پیش می‌روند. در محلات ۴۰ آشپزخانه عمومی تشکیل شده است که مجانی به مردم و به اعضا و خانواده هایشان غذا می‌دهند. تلاش کارگران برای بهبود وضع زندگی خود و دخالت آگاهانه سیاسی آنها در امور تولید و سیاست، در اجتماع مدل و شیوه کاملاً جدیدی را ارائه داده است. تجارب کارگران آرژانتین بخشا به شکل فیلم تهیه شده است و قابل دسترسی می باشد.

قطعنامه ۸ مارس سنندج

۵- سنگسار کردن، خشونت بر زنان و قتل‌های ناموسی را جنایت و وحشیگری علیه بشریت میدانیم و آن را محکوم میکنیم.
۶- از اعتراضی معلمان، کارگران و دانشجویان برای دستیابی به مطالبات برحقشان، پشتیبانی میکنیم.
۷- آپارتاید جنسی را محکوم میکنیم.

زنده باد جنبش برابری طلبی
زنده باد ۸ مارس
شرکت کنندگان ۸ مارس
۲۰۰۴ - سنندج

مطالبات خود را اعلام و برای تحقق آن مبارزه میکنیم.
۱- برسمیت شناسی حقوق برابر برای زن و مرد در همه فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
۲- لغو قوانین زن ستیز مردسالارانه و نابرابر.
۳- تعیین حقوق و دستمزد برابر برای همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد.
۴- تامین بیمه‌های اجتماعی، بیمه از کارافتادگی و بازنشستگی، بیمه بیکاری و برخورداری از حقوق و مزایای برابر با مردان برای زنان خانه‌دار

۸ مارس روز جهانی میلیونها انسان آزادیخواه و برابری طلب است. جنبش عظیم زنان در این روز کیفر خواست خود را علیه یک دنیا ستمگری، خشونت، بی‌حقوقی، تبعیض و نابرابری طرح میکند و دادخواست انسانی خود را بر ضد نظام سرمایه‌داری بعنوان منشاء همه مشقات امروز جامعه بشری اعلام میدارد.
ما زنان و مردان شرکت کننده در مراسم ۸ مارس همصدا با زنان و مردان معترض جهان خواست و



"بیانیه ۸ مارس روز جهانی زن" در مراسم شهر قزوین

۴- خواهان مشارکت زنان در سطوح عالی مدیریت جامعه در تصمیم‌گیری‌های کلان هستیم.
۵- خواهان ایجاد بستری مناسب جهت آموزش رایگان و همگانی کودکان و زنان در تمام نقاط کشور هستیم.
۶- خواهان مشارکت زنان در عرصه‌های مدنی و به ویژه نهادهای غیردولتی زنان در جهت ارتقای سطح فرهنگی و آشنایی با حقوق زنان هستیم.

(به نقل از مرکز خبری سازمان جوانان کمونیست)

آزادیخواه و عدالتجو اعلام میداریم که:
۱- خواهان لغو کامل هرگونه تبعیض و خشونت نسبت به زنان در کلیه سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستیم.
۲- خواهان اصلاح کلیه قوانینی هستیم که مانع تامین برابری زن و مرد و مشارکت زنان در تمام عرصه‌های فعالیت سیاسی و اجتماعی می‌باشد.
۳- خواهان به رسمیت شناخته شدن ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن در تقویم رسمی کشور هستیم.

تبعیض و نابرابری علیه زنان یکی از مشخصه‌های دنیای امروز است و در اکثر نقاط جهان زن بطور رسمی و قانونی از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادیهای مدنی محروم است.
۸ مارس روز جهانی زن، روز برافراشتن پرچم مبارزه علیه ستم و تبعیض علیه زنان است.
۸ مارس روزی است که در سراسر جهان میلیونها زن و مرد مطالبات خویش را در لغو ستم، تبعیض و خشونت علیه زنان و اصلاح قوانین مربوط به زنان برگزار میکنند.
ما به مناسبت ۸ مارس و همگام با تمام زنان و مردان

رادیو و تلویزیون ۲۴ ساعته «کانال جدید»

را به دوستانتان معرفی کنید!

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: Horizontal

تلویزیون هر روز از ساعت ۸ تا ۱۰ شب
به وقت تهران و رادیو در ۲۲ ساعت بقیه
روز بر روی همین طول موج پخش میگردد

کارگران ذوب مس خاتون آباد بار دیگر تجمع کردند

کارگزاران حکومت اسلامی برای فرونشاندن خشم کارگران خاتون آباد پانصد نفر از آنها را مجدداً استخدام کردند. اما با گذشت کمتر از یکماه صاحبان کارخانه دوباره این کارگران را اخراج نمودند. در پی این اقدام روز چهارشنبه سیزدهم اسفند کارگران ذوب مس خاتون آباد در مقابل فرمانداری تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

کارگران جهان متحد شوید!

" Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win."

WORKERS REVOLUTION

Nr. 17

13.03.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت سیزدهم

روسیه انقلاب شد، تا اقصی نقاط دنیا این مارکسیسم و لنینیسم و عکس لنین و کار لنینی محبوب شد. ملک الشعراى بهار در مدح لنین شعر دارد. معلوم است جناح چپ بورژوازی و روشنفکر ناراضی و ببازی گرفته نشده چنین کشوری چه باید بگوید. فشار مارکسیسم و کمونیسم در مقیاس اجتماعی و در سطح جهانی، برای سالهای طولانی جنبشهای مختلف غیر کارگری را ناگزیر کرده است که به آن متوسل شوند و خود را سوسیالیست و مارکسیست بخوانند، بدون اینکه در اهداف و جهان نگرى کمونیسم شریک باشند و یا بر طبقه کارگر بنا شده باشند. بنابراین بنظر من این قابل فهم و قابل انتظار است که شاخه های مختلف سوسیالیسم و کمونیسم ما خواهان سوسیالیسم به تعریف و تبیین مارکسی و مانیفستی آن نباشند. هرچند بسیاری از بخشهای سوسیالیسم بورژوازی از اسم مارکسیسم و کمونیسم استفاده میکنند اما رسماً میگویند که "دیکتاتوری پرولتاریا نمیخواهم"، "جامعه اشتراکی نمیخواهم"، مالکیت اشتراکی و پول و بسیاری از مقولات اقتصاد سرمایه داری سازگاری دارد."

ادامه در شماره بعد

بورژواها از هشتاد طرف بطرف همدیگر و ما نشانه رفته اند و دود و دمی که تولیدشان براه انداخته است، در ذهن مردم این مساله را بجلو رانده است. که "بالاخره کره ارض چه میشود"، "این سیاره محل سکونت ما چه به سرش میآید". این یک نگرانی واقعی زمان ما است و همه راجع به آن حرف میزنند. به همین ترتیب مقوله حقوق بشر مقوله ای رایج و مد روز شده است. آنکس که آزادی سیاسی میخواهد به اسم حقوق بشر حرف میزند. تا دیروز در ایدئولوژی های رسمی حاکم حقوق بشر فرعی بود بر چیزهای دیگری دیگر. در عالیترین دمکراسی هم حقوق بشر را رعایت نمیکردند. ولی حالا همه حقوق بشری اند. هرکس هر شکوه ای دارد در چهارچوب حقوق بشر حرفش را میزند چون امروز میخواهند چهره انسانی به سرمایه داری بدهند. نه فقط هر بورژوازی ناراضی، بلکه قدرتهای غربی و دولتهایی که کرور کرور انسانها را میزنند و سرکوب میکنند، مدافع حقوق بشر شده اند. و هر امری را، از رقابت در تولید تا اعمال فشار سیاسی بر رقبای با عنوان بخشی از جدال برسر حقوق بشر پیش میبرد. مارکسیسم هم در همین وسعت و بیشتر برای سالهای طولانی مد شد. وقتی در

را پرچم خودش میداند. تمام مساله اینجاست که این قدرت طبقه کارگر و جنبش اجتماعی کارگری برای سوسیالیسم است که بورژوازی را در موارد مختلف ناگزیر کرده است امیال خودش را تحت عنوان سوسیالیسم پیش ببرد. جناح چپ بورژوازی که به چیزی شکوه دارد و میخواهد نیروی کارگر را ضمیمه جنبش خود کند. این نشاندهنده نفوذ مارکسیسم و تعلق واقعی مارکسیسم به طبقه کارگر و گرایش واقعی آن طبقه به مارکسیسم است.

امروز مد است همه چیز را زیر تیتیر حقوق بشر بگنجانند. یا مد است هر چیز را به محیط زیست ربط بدهند. فشار اجتماعی و نگرانی پیرامون محیط زیست اینقدر قوی است که هرکسی که میخواهد هر حرفی بزند، باید به محیط زیست ربطش بدهد. امروز میگویند بیکاری یکی از اشکال آلودگی محیط زیست است! شش سال پیش، مساله محیط زیست مانند امروز مساله محوری ای در صدر اخبار نبود، و لاجرم بیکاری بیکاری بود. ولی حالا حزبی پیدا میشود بعنوان حزب محیط زیست، یکی از محورهای کمپین اش بیکاری است چون معتقد است "اینهم یکی از آلودگیهاست. جامعه در ابعاد اجتماعی اش هم محیط زیست است، اینهم یک آلودگی اجتماعی است!" حال انگار همه مجبورند با لغات و الفاظ جنبش محیط زیست حرف بزنند. بمبهای اتمی که

و دیگر بعنوان یک پدیده کارگری، معطوف به یک انقلاب کارگری، علیه کار مزدی با همه جهان نگرى و تبیین طبقاتی ای که مارکس در قلب این تفکر قرار داده بود، ظاهر نمیشود. دیگر آن آرمانهای تاریخساز و آن نقدی که بر جهان معاصر داشت و آن ماموریتی برای خود قائل بود، محو و منتفی شده است. اینجاست که بنظر من بهیچوجه مجاز نیستیم که هر جنبش و جریان را که بخودش میگوید مارکسیست را واقعا مارکسیست تلقی کنیم و بخشی از جنبش طبقه کارگر و یا مبارزه برای انقلاب کمونیستی بحساب آوریم. بلکه اول باید مکان اجتماعی اش را روشن کنیم. باید جنبشهای کمونیستی را از این موضع قضاوت کنیم که جنبش چه طبقاتی اند و برای چه اهدافی براه افتاده اند. و حرف من این است که بستر اصلی کمونیسم تاکتونی، کمونیسمی است که کاربست اجتماعی اش را در ایجاد تحولاتی در محدوده خود بورژوازی یافته است و نهایتاً کمونیسمی بورژوازی است. کمونیسم کارگری میخواهد با این مساله مقابله کند.

چرا اینها مارکسیسم را اتخاذ کردند؟ چرا این آرمانهای ناسیونالیستی یا رفرمیستی بورژوازی نمیتوانست به اسم خودش و تحت پرچم خودش پیش برود؟ بنظر من به این دلیل که نیروی اجتماعی عظیم سوسیالیسم را در مقابل خود میبینند. نیروی که مارکسیسم

خلاصه کنم: روندهای اجتماعی عینی باعث شد که مارکسیسم - که با انقلاب اکتبر بویژه به پرچم هر نوع سوسیالیسم انقلابی در دنیا تبدیل شد، و لاجرم سوسیالیسم را با خود معنی کرد، در مراحل بعدی قدم بقدیم بدست طبقات دیگری بیفتد و بعنوان ابزار امر اجتماعی دیگری بکار گرفته شود. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر عملاً در این جریان خفه میشود. مارکسیسم بعنوان یک تئوری و یک دیدگاه از این جنبش گرفته میشود و طبقات دیگر آنرا بدست میگیرند. مارکسیسم کاربست اجتماعی دیگری پیدا میکند. می بینیم برای مثال دارد به مساله توسعه نیافتگی کشورهای عقب مانده جواب میدهد، به مسائل رشد اقتصادی و شکاف طبقاتی بعد از جنگ دوم در اروپای صنعتی و بحران دهه های بعد جواب میدهد، به مساله ساختمان اقتصاد روسیه جواب میدهد، به مساله باصطلاح یاس فلسفی روشنفکران آمریکائی و اروپائی جواب میدهد و به مساله انتقاد از موضع دمکراتیک و انسانگرایانه نسبت به تجربه شوروی و چین و غیره جواب میدهد. ولی مساله مبارزه طبقاتی در همین جوامع سوال اصلی روبروی این مارکسیسم رسمی نیست. ما دیگر رگه های اصلی و رسمی مارکسیسم معاصر را در آن موضع طبقاتی و اجتماعی خاص نمی بینیم. بعنوان یک پدیده اجتماعی، مارکسیسم ملی میشود. توسط بورژوازی مصادره و ملی میشود

آزادی برابری حکومت کارگری